

الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیه گام دوم بر اساس نظریه نظام انقلابی

سید محمدرضا محمودپناهی¹

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیه گام دوم انجام شد. توسعه و پیشرفت، از مهم‌ترین آمل سیاسی مردم ایران در تاریخ معاصر بوده است. برخی از اندیشمندان، لازمه چنین توسعه‌ای را تبعیت از الگوی غربی توسعه دموکراتیک می‌دانند. تقلید از الگوی توسعه غربی از انقلاب مشروطه به بعد، در آغاز به استقرار نظام استبدادی و وابسته پهلوی و در پایان به ظهور اسلام سیاسی منتهی شد. **روش:** در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و ابزار جمع‌آوری داده کتابخانه‌ای، با واکاوی مفهوم توسعه سیاسی و لحاظ نظریه نظام انقلابی در بیانیه گام دوم، شاخصهای الگوی مطلوب پیشرفت سیاسی در گام دوم انقلاب بررسی شده است. **یافته‌ها:** نظام دینی برآمده از انقلاب اسلامی در مقابله با تمدن سکولار غرب و بر پایه الگوی جدیدی از توسعه و پیشرفت و با دورنمای تأسیس تمدن نوین اسلامی ایجاد شد. **نتیجه‌گیری:** توسعه مردم‌سالاری دینی، اقتصاد مقاومتی، توسعه علمی، جوان‌سازی مدیریت، اصلاح سبک زندگی، اقتدار نظامی و تقویت بعد پارلمانی حاکمیت؛ شاخصه‌های ضروری پیشرفت سیاسی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در دهه‌های آینده خواهد بود.

واژگان کلیدی: پیشرفت سیاسی، بیانیه گام دوم، مردم‌سالاری دینی، تمدن نوین اسلامی، نظام پارلمانی.

دریافت مقاله: 00/05/22؛ تصویب نهایی: 00/09/23.

1. دکترای علوم سیاسی؛ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران، مینوسیتی، بلوار ارتش، اول شهرک نفت، خیابان نخل، سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور، نامبر: 02156365051

Email: dr.mahmoudpanahi@gmail.com

الف) مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در حالی قدم به دهه پنجم حیات خود نهاده که از طرف آمریکا و متحدان آن، تحت تحریم حداکثری اقتصادی، فشارهای دیپلماتیک و جنگهای پیچیده نیابتی است. در مقابل، ایران به کمک متحدان منطقه‌ای، به دنبال تبدیل این چالشها به فرصت، خنثی‌سازی تحریمها، تثبیت حضور منطقه‌ای و برقراری موازنه قدرت است. رهبر انقلاب اسلامی در چنین نقطه عطفی، مسیر آینده توسعه ملی و منطقه‌ای ایران را با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» و «فصل نوین حیات جمهوری اسلامی» به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» در جهت آرمان ایجاد تمدن نوین اسلامی ترسیم نموده‌اند. با ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی؛ توسعه سیاسی به مفهوم پیشرفت در اهداف نظام اسلامی در داخل و منطقه، اهمیت مضاعفی خواهد داشت. ملت ایران در میان ملتهای خاورمیانه، رژیم مستبد و دست‌نشانده غرب را با بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید و تغییر حکومت از پادشاهی به جمهوری اسلامی کنار زد و چهار دهه بدون خیانت، آرمانهای انقلاب را حفظ کرد.

در این مقاله با بررسی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به الگوی توسعه جامع سیاسی ایران در چهل سال دوم انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت. شاخصهای پیشرفت سیاسی، متمایز از الگوی توسعه سیاسی غربی است و بر مردم‌سالاری دینی و سبک زندگی اسلامی استوار می‌شود. آنچه در سراسر بیانیه گام دوم انقلاب رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای برجسته است، تقدم تحول و پیشرفت سیاسی بر دیگر جهات تحول است؛ حتی خود بیانیه هم کنشی سیاسی برای شروع پیشرفتهای سیاسی و سپس پیشرفتهای اقتصادی، اجتماعی، علمی و ... است. لذا الگو و شاخصهای پیشرفت سیاسی در این پژوهش بررسی خواهد شد.

ب) پیشینه پژوهش

ابعاد سیاسی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در کتب و مقالات متعددی بررسی شده است. از جمله در مقاله «راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی؛ تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» که بر اساس مفاد این بیانیه به بررسی راهبرد پیشتازی، راهبرد صیانتی، راهبرد رقابتی و راهبرد مقاومتی انقلاب اسلامی پرداخته و برنامه‌ریزی در راستای عملیاتی کردن راهبردهای مذکور را با محوریت راهبرد پیشتازی در محیط منطقه‌ای و نظام بین‌الملل، با حاکم کردن سیاستهای درون‌گرا به جای سیاستهای برون‌گرا تجویز کرده است (نادری و پیرانی، 1399). همچنین در پژوهشی با عنوان «تحلیل آینده‌نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، دلالت‌های آینده‌نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب به مثابه یک سند راهبردی در هر دو ساحت مادی و معنوی و موفقیت‌های نظام، ضعف و کاستی دشمنان و نقش جوانان برای حرکت به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی بررسی شده است. (غفاری هاشمیان و نیکونهاد، 1399)

تحقیق «تحلیل فرصت - تهدید چهل سال دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر بیانیه گام دوم»، تمرکز و چشم‌انداز این بیانیه را ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی با مقدمه‌سازی جامعه‌پردازی در فرایند پیش‌روندگی و پیش‌برندگی انقلاب اسلامی معرفی کرده است (مزینانی و همکاران، 1398). از دیدگاه مقاله «الگوی حکمرانی گام اول انقلاب و دلالت‌های سیاست‌گذارانه بیانیه گام دوم»، مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی حکمرانی گام نخست، ادراک انقلاب اسلامی به عنوان یکی از انقلاب‌های کبیر بشری، تقدّم‌بخشی به فرهنگ و معنویت، پیگیری مفهوم برکت، تمرکز بر جهاد علمی برای گذر از عقب‌ماندگی‌های تاریخی و ترسیم آتیۀ کشور؛ همچنین اهمّ دلالت‌های سیاست‌گذارانه بیانیه گام دوم، ترسیم تکالیف آحاد ملت، دستیابی به سطوح بالاتر فنّاوری و تولید ثروت در عین عدم تنزّل علم به فنّاوری، عدم تشکیک علم اقتصاد از ماهیت انسانی و اجتماعی آن و تلاش برای ایجاد نظریه‌ای علمی اقتصادی با توجه به ابعاد سبک زندگی به منظور فراهم‌سازی بستر تأسیس تمدن نوین اسلامی - ایرانی می‌باشند. (نوده‌فراهانی، 1399)

پژوهش‌های ارزنده مذکور هرچند به بررسی راهبردهای پیش رو، دلالت‌های آینده‌نگرانه، فرصت - تهدیدها، مؤلفه‌های پیشرفت در گام اول و دلالت‌های سیاست‌گذارانه انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم پرداخته‌اند؛ اما هیچ کدام الگوی پیشرفت سیاسی ایران را بر اساس مفاد این بیانیه بررسی نکرده‌اند. وجه نوآوری پژوهش حاضر، در بررسی الگوی پیشرفت سیاسی دهه‌های آتی ایران اسلامی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که در مواردی، مشابهت و در برخی موارد، با مدل توسعه غربی مفارقت دارد.

ج) مفهوم توسعه سیاسی

پیشرفت سیاسی در ادبیات علوم سیاسی که با مفهوم توسعه سیاسی¹ بیان می‌شود، بر دموکراتیزه و سکولاریزه کردن جوامع دلالت دارد و به معنای افزایش ظرفیت و کارایی «نظام سیاسی» برای نهادمند کردن تشکلهای و مشارکت سیاسی آنها، افزایش توانمندی افراد، احزاب و گروه‌ها برای مشارکت قانونمند در فضای سیاسی جامعه، حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، مردم‌سالاری، آزادی و تغییرات اصولی در جامعه به منظور تحقق پیشرفت، صنعتی شدن، رفاه و رفع فقر، استقلال و رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری در جامعه، ظرفیتهای همگرا، الزامات برابری، پاسخگویی و سازگاری سیاسی سیستم، گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر و در نهایت، تحقق حکومت عقلایی است. (آقابخشی، 1383: 104)

سردرگمی قابل توجهی درباره مفهوم توسعه سیاسی وجود دارد. جریانهای خاص در علوم اجتماعی بین توسعه سیاسی و اقتصادی تفاوت قائل‌اند. سه نگرانی از سطح برابری، ظرفیت سیستم سیاسی و تمایز یا تخصص سازمانهای دولتی در جنبه‌های خاصی از توسعه سیاسی، اعم از فرهنگ سیاسی، ساختارهای

حکومتی و ساختارهای غیر دولتی مورد توجه قرار می‌گیرد و مشکلات توسعه سیاسی دولتها حول رابطه بین فرهنگ سیاسی، ساختار مقتدرانه و روند کلی سیاسی می‌چرخد (پای، 1965: 1). برخی از اندیشمندان، توسعه سیاسی را فرایند نوسازی اجتماعی و اقتصادی می‌دانند که ابتدا در اروپای غربی قرن شانزدهم و سپس در دیگر نقاط جهان روی داد و در آن، یک نظام حقوقی اولیه ماقبل مدرن به یک نظام حکومتی مدرن برای دستیابی به اهداف جدید اجتماعی منتقل شد (کلن، 1380: 120). به نظر ساموئل هانتینگتون،² مفهوم توسعه سیاسی بر اساس میزان صنعتی شدن، تحریک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی ارزیابی می‌شود و در فرایند توسعه سیاسی، تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقشهای جدیدتر ظهور می‌کنند؛ بنابر این، نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد؛ در غیر این صورت، سیستم با بی‌ثباتی، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد و در برخی موارد، پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها، به شکل انقلاب تجلی می‌یابد. هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد (هانتینگتون، 1370: 12). لوسین پای، توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت سیاسی می‌داند (فوم، 1371: 10). این نشانه‌ها، توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع‌یافته و تخصصی‌شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخشهای جامعه مرتبط می‌سازد. به نظر وی، هر اندازه جامعه از ساختارهایی برخوردار شود که هر کدام دارای هویت مستقل برای خود باشند، به همان نسبت بر درجه توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد. برای مثال، در یک نظام سنتی پدرسالار، رهبران قادر به بهره‌گیری مناسب از منابع و امکانات جامعه نیستند و از ظرفیت محدودی برای پاسخگویی به خواسته‌های عامه برخوردارند (همان: 16). بایندر معتقد است که اگر کشوری بخواهد به رشد و توسعه برسد، باید پنج بحران را پشت سر بگذارد. وی این پنج بحران را بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران مشروعیت و بحران توزیع می‌داند. او معتقد است که وجه تمایز کشورهای توسعه‌یافته صنعتی از کشورهای در حال توسعه آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت‌آمیز این بحرانها، به ویژه بحرانهای هویت و مشروعیت را پشت سر گذاشته‌اند. (سیف‌زاده، 1368: 173)

1. Losian Pye
2. Samuel Huntington

در مجموع، از دیدگاه نظریه‌پردازان علوم سیاسی، مؤلفه‌های ذیل در فرایند پیشرفت و توسعه سیاسی به وقوع می‌پیوندند:

- افزایش مشارکت سیاسی، سکولاریزه و دموکراتیزه شدن؛
- مقاومت در برابر بحرانها؛
- توسعه علمی و عقلانی رفاه؛
- مدیریت تخصصی، پیچیده و توانمند؛
- ایجاد فرهنگ مشارکت مردمی در سیاست؛
- حفظ استقلال در روابط بین‌الملل و اقتدار قانونی در داخل؛
- اعمال قانونی خواست مردم در تحولات سیاسی.

د) نظریه نظام انقلابی در بیانیه

با ورود به دهه پنجم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بعد از نظام‌سازی و دولت‌سازی و برای تنظیم مناسبات زندگی اجتماعی انسانها در هزاره جاری، جامعه‌سازی ضروری است. این جامعه‌سازی در عین اینکه مبتنی بر شعارها، روحیه، حرکت و جوش انقلابی که مقتضای تحرک، بسیج، خصال جهادی، حرکت و تغییرخواهی مستمر است؛ برآیند نظم و ثبات اجتماعی هم می‌باشد. در اندیشه مقام معظم رهبری، میان انقلابی‌گری و نظم اجتماعی و نظم سیاسی، تضاد و تنافری وجود ندارد و بایسته‌های شکل‌دهی به جامعه مطلوب نظام اسلامی، انقلابی‌گری در قالب «نظریه نظام انقلابی» است (سرپرست‌سادات، 1398: 288). این نظریه از مهم‌ترین تجربیات اندوخته شده در گام اول انقلاب اسلامی است که دارای سه بُعد اندیشه‌ای، گرایشی و عملی؛ یعنی اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است (قریبانی و محمدی‌الموتی، 1398). در نظریه نظام انقلابی، توسعه مستمر نظام مطرح می‌شود که طبق آن، نظام اسلامی «همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی، تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند؛ اما در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای جدید، حساس و به مرزبندی‌های با رقیبان و دشمنان پایبند است» (خامنه‌ای، 1397، بیانیه گام دوم اسلامی). لذا، بنابر نظریه نظام انقلابی، توسعه مستمر و تحول اجتماعی و به خصوص پیشرفت سیاسی، از الزامات تحقق پیشرفت ایران در گام دوم انقلاب اسلامی خواهد بود.

هـ) مفهوم پیشرفت سیاسی در بیانیه

طبق مفاد بیانیه گام دوم؛ آرمان سیاسی انقلاب اسلامی ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ولایت امام غایب (عج) است. تأسیس نظام و خودسازی از سویی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی و تحقق بخشی به شعارهای جهانی و فطری انقلاب اسلامی یعنی آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری و ارزشهای دینی از سوی دیگر؛ اولین و دومین مرحله پیشرفت سیاسی در نظام جدید خواهد بود. پیشرفت سیاسی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی حاوی مفاهیم ذیل است:

- حفظ ترکیب جمهوریت و اسلامیت نظام و پیشرفت آن؛
- توسعه مردم‌سالاری و به اوج رسانیدن مشارکت مردمی به عنوان جانمایه پیشرفت همه‌جانبه کشور؛
- ارتقای بینش سیاسی آحاد مردم؛
- تعادل و انعطاف در رفتار سیاسی؛
- اتخاذ راهبرد کلان ساخت ایران اسلامی بزرگ؛
- استمرار تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار».

جدول مقایسه مدل توسعه سیاسی غرب و الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیه

الگوی توسعه		شاخصها
مدل توسعه سیاسی غربی	الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیه	
دموکراسی لیبرال	مردم‌سالاری دینی	نوع نظام سیاسی
حاکمیت سکولار مردم	حاکمیت الهی مردم	چارچوب نظری
مشارکت حزب‌محور	مشارکت مردم‌محور	مشارکت سیاسی
اقتصاد سرمایه‌داری	اقتصاد مقاومتی و تولید‌محوری	نظام اقتصادی
حفظ اقتدار علمی	انقلاب علمی	نظام علمی
حفظ و ارتقای کارآمدی	تحول و کارآمدسازی جهادی	نظام اداری
توسعه مادی‌گرایی	حفظ و ارتقای معنویت‌گرایی	سبک زندگی
حفظ و ارتقای اقتدار جهانی	حفظ و ارتقای اقتدار منطقه‌ای	اقتدار نظامی
رقابت احزاب	تحول و تقویت نقش قوه مقننه	نهاد اعمال حاکمیت اراده مردم
حفظ تمدن غربی	ایجاد تمدن نوین اسلامی	اهداف تمدنی

بنابراین، بر اساس این مفهوم از پیشرفت سیاسی در بیانیه، الگوی پیشرفت سیاسی در گام دوم انقلاب اسلامی، در مقایسه با شاخصهای الگوی توسعه سیاسی غرب، از امتیازات و ویژگی‌های متمایز، به ویژه در بعد اسلامیت نظام بهره‌مند خواهد بود. در ادامه، اضلاع این الگوی متمایز، بر اساس الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیه گام دوم واکاوی خواهد شد.

(و) الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیه

در بررسی نظریات توسعه سیاسی بیان شد که توسعه و پیشرفت، فرایندی ضروری برای جوامعی است که آینده بهتری را برای ملت‌های خود طلب می‌کنند. بعد از نظام‌سازی، دولت‌سازی و ملت‌سازی، تأسیس تمدن نوین اسلامی، مرحله نهایی بالندگی انقلاب اسلامی خواهد بود. با توجه به بحرانهای متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، هویتی، معنوی و سیاسی تمدن غرب، تاگزیر مسیر ایجاد تمدن نوین می‌بایست از مسیر الگوی غربی متمایز باشد. بر اساس بیانیه گام دوم رهبری انقلاب؛ بر خلاف تمدن سکولار مدرن، تحقق این تمدن نوین مستلزم رشد و پیشرفت در جنبه‌های مختلف حیات انسانی، از جمله در جنبه‌ها و شاخصهای سیاسی، بر بنیان رویکرد دینی و ترکیب جمهوریت و اسلامیت است؛ از این رو، در ادامه، ملزومات پیشرفت سیاسی در گام دوم انقلاب را از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بررسی خواهیم کرد.

1. توسعه مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی، نظامی دینی - مردمی است که در چهار دهه اول انقلاب اسلامی با وجود عناصر متکثر قومی، زبانی، نژادی و مذهبی، توانسته علاوه بر منافع ملی، شکل‌گیری امت واحده اسلامی و توسعه نفوذ منطقه‌ای ایران را نیز دنبال کند. ساختار این نظام سیاسی، در عین نظر به وحدت ساختار قدرت، به تکرار معقول آن نیز توجه دارد. مردم‌سالاری اسلامی نظامی بر پایه ولایت تشریحی الهی و توکلی ارادی مردمی است؛ از این رو، در شکل و محتوا، متمایز از نظامهای سلطنتی، فاشیستی، امپراتوری، تئوکراتیک کلیسایی و دموکراتیک غربی است. این نظام سیاسی از ابتدای انقلاب در مناسبات داخلی، افزون بر تمرکز قدرت به توزیع آن، هماهنگی منافع فردی با مصالح جمعی، حفظ آزادی فردی در کنار مصالح جمعی، مدارای سیاسی در چارچوب قانون، مشارکت فعال شهروندان در تعیین سرنوشت خود، ایجاد بسترهای رقابت سالم و افزایش مشارکت مدنی؛ و در روابط خارجی بر حفظ استقلال و حاکمیت ملی، تعامل حسنه با ملت‌ها و دولت‌ها به نحوی اهتمام داشته که کنش حاکمیت، معطوف به وحدت امت اسلامی و در عین حال تأمین اولویتهای ملی و سرزمینی باشد تا از انعطاف ساختاری لازم برای ایجاد تمدن نوین اسلامی برخوردار شود (امیدی، 1397: 5). نظام مردم‌سالاری دینی به مثابه یک فلسفه سیاسی و الگوی حکومتی خاص و مستقل در مقابل فلسفه‌های سیاسی و الگوهای حکومتی بدیل، به ویژه سکولاریسم و بنیادگرایی، بدون تکیه بر نگاه صرفاً مادی به اصول عرفی، انسان‌محورانه، فردگرایانه و سودانگاران در رویکرد سکولاریستی، حکومتی مردمی مبتنی بر ارزشهای دینی و احکام الهی را در ایران بنیان گذاشته و در گام اول انقلاب توانسته از تراکم و فعال شدن شکافهای فرهنگی، دینی و سیاسی جلوگیری کند و به حفظ ثبات و تأمین امنیت در

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه، ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت نظام سیاسی جدید، به انحطاط تاریخی طولانی در ایران پایان داد: «کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و به شدت عقب‌مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جانمایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است، در کانون مدیریت کشور وارد کرد» و بر خلاف قیامهای مارکسیستی یا لیبرالی و بر پایه اندیشه امام خمینی (ره)، با ترکیب جمهوریت و اسلامیت، نخستین نوآوری سیاسی انقلاب را با امتزاج آموزه‌های تشیع و سیاست در زمان غیبت امام معصوم (ع) را اعمال کرد. مردم‌سالاری دینی در این مفهوم؛ نظامی مردمی است که با دین اسلام همراه و مورد پذیرش عموم مردم است، امری التقاطی و ترکیبی بین فرهنگ غربی و تفکر و شریعت اسلامی نیست و انتخابات و تکیه به آرای مردم، جزء دین و شریعت اسلامی است. همچنین شریعت اسلامی در مردم‌سالاری دینی، چارچوب نظم سیاسی و مدنی است و با آزادی‌های عمومی و مدنی افراد، استقلال ملی، عدالت و معنویت همراه و هماهنگ است (خامنه‌ای، 1395/03/29). بنابر این، شریعت اسلامی در نظم سیاسی و مدنی مردم‌سالاری دینی، چارچوب قانونگذاری، اجراء، عزل و نصب و رفتارهای عمومی است و گردش کار در این نظام، به وسیله آحاد مردم است؛ «نماینده مجلس را انتخاب می‌کنند، رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند، وزرا را با واسطه انتخاب می‌کنند، خبرنگاران را انتخاب می‌کنند و رهبری را با واسطه انتخاب می‌کنند. کار، دست مردم است». بنای عظیم انقلاب اسلامی، متکی به دو پایه است: مردم‌سالاری و التزام به شریعت اسلامی. شریعت اسلامی با آزادی‌های عمومی و مدنی در تقابل نیست و موجب تضمین آزادی و استقلال ملت از نفوذ و سیطره بیگانگان، و عدالت و معنویت است: «امام بزرگوار ما شریعت اسلامی را - که روح جمهوری اسلامی است - مورد تکیه قرار داده؛ مردم‌سالاری دینی را هم که یک وسیله و ابزار است - که آن هم متخذ از شریعت است - مورد تکیه قرار داده است» (همو، 1393/03/14). لذا، یکی از الزامات گام دوم انقلاب اسلامی، توسعه مردم‌سالاری دینی است؛ زیرا عدم توسعه دولت اسلامی مردم‌سالار در ابعاد «کارشناسان و کارگزاران»، «نظامات و ساختارها» و «علوم انسانی پشتیبان»، مهم‌ترین کاستی نظام اسلامی در تحقق بخشیدن به نظم سیاسی مبتنی بر دین و تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در چهل سال اول انقلاب بوده است. (طاهری خسروشاهی و همکاران، 1399)

2. تحول بنیادین اقتصادی

انقلاب اسلامی سال 1357، در واقع انقلابی سیاسی بود؛ لذا در بعد اقتصادی نتوانست اقتصاد رانتیر، تک‌محصولی و وابسته به نفت ایران را متحول کند. هرچند انقلاب در گام اول و در اجرای نظام اقتصاد اسلامی با مشکلات و نقایص عدیده‌ای مواجه بود؛ اما مکتب اسلام به گواهی تاریخ، یکی از موفق‌ترین و کارآمدترین مکاتب برای بنیان نهادن یک جامعه سالم به شمار می‌رود. در نظام اقتصادی اسلام، تأمین رفاه عمومی و زدودن فقر از سطح جامعه و همچنین رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، مستلزم داشتن اقتصادی شکوفا و در حال رشد است. برای سامان دادن به وضعیت اقتصادی ایران، سال 1389 طرح اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد که منظور از اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری اقتصادی به همراه پایداری اقتصادی است (نوفستی، 1395: 157). همچنین به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تأثیرها و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. (ناجی و عبدالله، 1394)

اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نقطه کلیدی تعیین‌کننده توسعه و پیشرفت سیاسی تلقی شده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان تلقی شده است. تقویت اقتصاد مستقل کشور، مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، توزیع عدالت‌محور، مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است. راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت، عملکردهای ضعیف، تحریم، عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی، اعم از وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، عدم ثبات سیاستهای اجرایی اقتصاد، عدم رعایت اولویتها و وجود هزینه‌های زائد، بیکاری و فقر سیاستهای اقتصاد مقاومتی است. اعمال این سیاستها مشتمل بر درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن اقتصاد، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت و برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهای، می‌تواند به توسعه و رفاه اقتصادی منتهی شود. (بیانیه گام دوم)

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، الگوی اقتصاد مقاومتی دارای خصوصیات ذیل است: علمی و متناسب با نیازهای کشور است؛ در کشورهای پیشرفته به کار گرفته می‌شود و مختص ایران نیست؛ درون‌زا و برون‌گراست و به ظرفیتهای تولید داخل کشور و منافع ارتباط با دیگر کشورها به صورت همزمان توجه می‌کند؛ از ظرفیتهای و امکانات کشور و مردم بهره می‌برد و با اقتصادهای جهانی تعامل دارد؛ مردم‌بنیاد است و بر محور اقتصاد دولتی نیست؛ با اراده، سرمایه و حضور مردم تحقق می‌یابد؛ دانش‌بنیان و عدالت‌محور

180 ♦ الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیه گام دوم بر اساس نظریه نظام انقلابی

است و به معنای تولید و افزایش ثروت ملی است (خامنه‌ای، 1393/01/01). از نظر ایشان، اقتصاد مقاومتی یک کل فراگیر است که از عرصه علمی تا فعالیت‌های فنی، خدمات، بازرگانی و صادرات و واردات و آموزش در دانشگاهها و دبیرستانها را شامل می‌شود: «اقتصاد مقاومتی، اثباتی دارد و نفی‌ای؛ اثباتش همین است که ما یاد بگیریم که به سمت تولید داخلی رو بیاوریم. عمده، تولید است.» (همو، 1395/01/24)

3. توسعه علمی

علم مدرن چند قرنی است که به مثابه یک فعالیت مشخص در جوامع غربی مطرح شده است. از طرفی، عاملی که در زمانه ما موجب نفوذ سنگین علم بر تخیل انسان شده، پیوند نزدیک علم و توسعه بوده است که نمی‌توانند جدا از هم فهمیده شوند. قانونگذاران جهان سوم روشن کرده‌اند که کلید موفقیت ملی در عصر مدرن، فناوری و مواد خام و سرمایه است؛ زیرا ایجاد و پذیرش فنون علمی جدید می‌تواند کمبود و ناکارایی منابع ملی را جبران کند و تقاضا را برای سرمایه کاهش دهد. در واقع؛ اگر کسی روی وقایع دهه‌های اخیر تأمل کند، خواهد دید که علم و توسعه در طول این دوره، همانند اسب و درشکه، همواره همراه هم بوده‌اند. علم به نوبه خود مطلوب است؛ چون توسعه را ممکن می‌سازد. اگر بتوان مهارتهای پیوند یافته با علم را متحول کرد، می‌توان توسعه‌ای نامحدود و ثروتی زیاد به دست آورد. علم و توسعه نیاز به یکدیگر را تقویت می‌کنند؛ آنها به شیوه‌ای دایره‌وار به یکدیگر مشروعیت می‌بخشند. در حقیقت؛ علم است که مشخص می‌کند توسعه‌یافتگی چه ملاکها و شاخصهایی دارد و همان است که تعیین می‌کند برای توسعه یافته بودن باید چگونه بود. اگوست کنت، طراح نقشه کلی توسعه علمی جامعه بود و رویای وی برای اعمال بندهند اصول عقلانیت، تجربه‌گرایی و روشنگری، تأثیری فراگیر بر جوامع به اصطلاح توسعه یافته گذاشت. (آوارس، 1992: 219)

توسعه علم و پژوهش در بیانیه گام دوم، یکی از توصیه‌های بنیادین برای توسعه و پیشرفت و آشکارترین وسیله عزت و قدرت کشور و عامل اصلی ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله دنیای غرب و عقب‌ماندگی ایران در دوران پهلوی و قاجار معرفی شده است. به نظر رهبر انقلاب، جمهوری اسلامی در چهل سال اول، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای، سلولهای بنیادی، نانو، هوافضا و دیگر علوم بوده است و به دلیل وجود استعداد علم و تحقیق ایرانیان، رستاخیز علمی دو دهه اخیر در کشور در شرایط تحریم مالی و علمی و به خصوص لزوم

توسعه علمی برای پیشرفت سیاسی و اجتماعی، جهاد علمی برای جبران عقب‌افتادگی و بنیانگذاری یک انقلاب علمی در کشور ضروری است. (بیانیه گام دوم)

4. تحول بنیادین اداری

هر چند در انقلاب اسلامی سیستم سیاسی متحول شد، اما جمهوری اسلامی وارث نظام اداری ناکارآمد و فرهنگ دیوان‌سالاری فاسد برجای مانده از رژیم قبل بود. مسائل و مشکلات نظام اداری ایران در: مدیریت منابع انسانی؛ ساختار، فرایندها، رویه‌ها و قوانین و مقررات؛ فرهنگ اداری و خدمت‌رسانی؛ الگوها و شیوه‌های مدیریتی؛ نوآوری و بهبود مستمر؛ فناوری اطلاعات و ارزیابی و نظارت است و چالش‌های عمده آن شامل عدم حاکمیت تخصص‌گرایی؛ ناکارآمدی سیستم نظارتی؛ عدم حاکمیت تفکر بهبود مستمر و روحیه پژوهشگری و ناکارآمدی ساختارهای سازمانی است (میرمحمدی و حسن‌پور، 1390). در سالهای بعد از انقلاب، به طور کلی چندین سیاست یا برنامه ضد فساد وجود داشته است؛ برنامه‌ها شامل از بین بردن فرصت فساد، بازدارندگی و مجازات، شفافیت و جریان آزاد اطلاعات، آزادسازی و انحصارزدایی، تنظیم امور بودجه‌ای و مالی، آشکارگی و حساب‌کشی، برنامه اصلاح نظام اداری، شایسته‌سالاری و فرهنگ سازمانی بوده که این برنامه‌ها نتوانستند زمینه‌های کاهش فساد اداری، انحصارزدایی و شایسته‌سالاری و نظام‌مندسازی فرایندهای اداری را فراهم سازند. (پاک‌سرشت و افشار، 1396: 179)

بر مبنای بیانیه گام دوم، عدالت و مبارزه با فساد، لازم و ملزوم یکدیگرند و فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، موجب ضربه جدی به مشروعیت جمهوری اسلامی می‌شود که به دلیل دینی بودن، نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم خواهد بود. استقرار عدالت و مبارزه با فساد اداری، مستلزم ایجاد دستگاهی دائم، کارآمد و قاطع در قوای سه‌گانه و ایجاد فرهنگ طهارت اقتصادی به عنوان شرط تصدی مقامات حکومت جمهوری اسلامی و به کارگیری منابع انسانی جوان، باایمان و جهادگر است. این سطح از عدالت کافی نیست و به نظر رهبری، «آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی، کسب ثروت نه تنها جرم نیست، که مورد تشویق نیز هست؛ اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است.» (بیانیه گام دوم)

از دیدگاه رهبر انقلاب، تحول بنیادین اداری برای پیشرفت سیاسی و اجتماعی ضروری و مستلزم جوانگرایی در حکمرانی است؛ اجرای سیاستها، مبارزه با فساد، رفع محرومیتها و تبعیضا و برقراری عدالت

182 ♦ الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیه گام دوم بر اساس نظریه نظام انقلابی

محقق خواهد شد «گر زمام اداره بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود» و شرط ساختن ایران به عنوان الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی، تحول بنیادین اداری و دادن مسئولیت به مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، به مثابه مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور در همه میدانهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی با نگاه و روحیه انقلابی، عمل جهادی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» است. (همان)

5. اصلاح سبک زندگی

سبک زندگی از دیدگاه غربی بر مفاهیم فردگرایانه و اومانیستی‌ای تکیه دارد که بسیار محدود است و به فروپاشی بنیان خانواده در غرب، تنهایی و افسردگی روزافزون انسانها و تخریب محیط زیست منتهی شده و بُعد روحانی و معنوی بشر را به بوته فراموشی سپرده است. انسانها در سبک زندگی غرب، در دریایی از لذتهای پرزرق‌وبرق مادی مدگرایانه غرق شده‌اند و هیچ حدودمرزی را در روابط انسانی به رسمیت نمی‌شناسند. این موضوع به بروز بحرانهای اخلاقی، هویتی و معنایی خطیری در غرب و جوامع مقلد غرب انجامیده است. از جمله معضلات اساسی پیش روی جوامع غربی، بحران اخلاقی است؛ هرج‌ومرج اخلاقی و از دست رفتن ملاکهای درست زندگی، محصول افول خانواده، عملکرد رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون و نیز بی‌بندوباری و مسئولیت‌ناپذیری جنسی است. عامل اساسی و مهمی که در ورای این عوامل تأثیر اساسی دارد، رویکرد تساهل‌محور و رواداری نسبت به مسائل غیر اخلاقی در جامعه است. (بوسوا، 2004: 7)

مسئله سبک زندگی با رویکرد اسلامی و تمدنی، نخستین بار و به شکلی جدید و کاربردی، در سخنان مقام معظم رهبری بیان شده است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از موضوعات بنیادین هر جامعه، فرهنگ آن جامعه و سبک زندگی مردم است که بر پیشرفت سیاسی، اجتماعی و هویتی تأثیر مهمی دارد: «این خیلی مسئله مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد می‌کشاند. این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد؛ بنابر این، در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه، به حوادث جامعه باید نگاه کرد.» (خامنه‌ای، 1395/05/31)

استقلال فرهنگی و سبک زندگی اصیل ایرانی - اسلامی، موجب استقلال اقتصادی است؛ زیرا استقلال فرهنگی، انتخاب سبک زندگی اسلامی - ایرانی در معماری، زندگی شهری، زیست انسانی و پیوندهای اجتماعی را شامل می‌شود. نظام سلطه به وسیله مهندسی اطلاعات، به دنبال ترویج تقلید از غرب و بیگانه و تسلط بر فرهنگ و وابستگی فرهنگی است. ابزارهای مدرن جدید ارتباطی، مانند رادیو و تلویزیون،

اینترنت، فضای مجازی و دستگاههای اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی را باید از اختیار دشمن و ابزار نفوذ فرهنگی و سلطه فرهنگی خارج کرد و در مسیر استقلال فرهنگی به کار گرفت. (همو، 1395/03/14)

یکی از مهم‌ترین اهداف تمدن غرب، تغییر سبک زندگی مسلمانان و تشبیه و تقلید از سبک زندگی غربی‌ها با جذائیه‌های تبلیغاتی است؛ در حالی که اسلام، سبک زندگی کاملی مشتمل بر اخلاق و ادب در برخورد‌های معمولی، گفتارها، مخاطبات و مخالفت و نقد محترمانه و به دور از هتاکی و بی‌ادبی عرضه کرده است. (همو، 1394/10/14)

از دیدگاه رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم، تلاش غرب برای ترویج سبک زندگی غربی در ایران با ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی را در اختیار کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق قرار داده و زیانهای جبران‌ناپذیر اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت زده است. مقابله با این تهاجم روزافزون دشمنان به شیوه زندگی جوانان، نوجوانان و حتی نونهالان، جهادی همه‌جانبه، هوشمندانه و برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی می‌طلبد. (بیانیه گام دوم)

6. اقتدار نظامی

تمدن غرب هرگونه حرکت استقلال‌طلبانه، به ویژه در کشورهای اسلامی را برنمی‌تابد و با دخالت و کودتا و هزینه پولهای کثیف، آن حرکتها و جنبشها را به سقوط می‌کشانند. در همین راستا، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به دنبال نابودی و سقوط نظام جمهوری اسلامی از طریق کودتا و جنگ هشت ساله یا گروههای تجزیه‌طلب و تروریستی، به ویژه در سالهای اخیر بوده است و این حقیقت نشان می‌دهد که پاسداری از نظام مستقل اسلامی که وجود آن بنیاد حرکت‌های بعدی به سمت تأسیس تمدن نوین اسلامی است، مبتنی بر توانایی‌های تأثیرگذار نظامی برای حفظ استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان و عزت ملی در روابط خارجی بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی است. تضمین عینی و عملی برای حرکت امن و مطمئن به سمت پایه‌ریزی تمدن نوین اسلامی و پیشرفت و استقلال سیاسی، به اقتدار نظامی برمی‌گردد (خامنه‌ای، 1391/7/23).

نظام اسلامی برای تأثیرگذاری و توانایی پیشرفت، باید قدرت و اقتدار پیدا کند تا از نفوذ مقتدران عالم محفوظ باشد و بتواند روی همسایگان و هم‌کیشان و در نهایت، کل بشریت اثرگذار باشد (همو، 1388/11/13).

البته این به مفهوم میلیتاریسم و نظامی‌گری نیست، بلکه به مفهوم بازدارندگی نظامی است؛ زیرا هرچند نظام جمهوری اسلامی از آغاز تشکیل با چالشهای مستکبران روبه‌رو بوده، اما «پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز، نه بی‌رحم و خون‌ریز

184 ♦ الگوی پیشرفت سیاسی در بیانیه گام دوم بر اساس نظریه نظام انقلابی

بوده و نه منفعل و مردود. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است». (بیانیه گام دوم)

7. تقویت بعد پارلمانی حاکمیت

در نظامهای مبتنی بر دموکراسی پارلمانی، پارلمان نقش بالاتری در کنترل روابط قوا با یکدیگر و همچنین با شهروندان دارد. در کشور ما، برداشت از این برتری بر مبنای سنت مشروطه‌خواهی ایرانی به شکلی رقم خورده که مطابق اصل 71 قانون اساسی، قانونگذاری در عموم مسائل، به خصوص مسائل اداری را حق مجلس شورای اسلامی قرار داده است. اما این نقش آفرینی قوه مقننه در کنترل تصمیمات و اقدامات اداری قوه اجرایی، لزوماً به قانونمندی اداره و حفظ کارکردهای مطلوب آن منتهی نشده است. گستره فزاینده قوانین وضع شده، همراه با مقررات گذاری متنوع دولت، ستادها و شوراهای تصمیم گیر در این عرصه، نه تنها توان نظام اداری کشور را در تأمین کارآمد و به روز خدمات عمومی جامعه با چالش مواجه کرده، بلکه در زمینه مسائل اداری از جمله صلاحیت کارکردی، نظام استخدام، مالی، اداری و غیره نیز ابهامات فراوانی را برای این نظام ایجاد کرده و در نهایت، کنترل پذیری قدرت اداره ایرانی را با ناکارآمدی مواجه ساخته است. (مرادخانی و همکاران، 1398)

نا توانی و ناکارآمدی سیستم ریاستی در گام اول انقلاب که با ایجاد حاکمیت دوگانه، بحران آفرینی و عدم امکان مهار رئیس جمهور توسط قوه مقننه یا قضاییه بعد از انتخاب همراه بوده، تغییرات اساسی از سیستم ریاستی به پارلمانی را برای اعمال اراده مردم ضروری کرده است. همان طور که رهبری در سفر به کرمانشاه و در جمع دانشجویان، امکان آن را چنین مطرح فرمودند: «در شرایط فعلی، نظام سیاسی کشور ریاستی است و رئیس جمهور با انتخاب مستقیم مردم برگزیده می شود که شیوه خوب و مؤثری است؛ اما اگر روزی در آینده احتمالاً دور احساس شود که نظام پارلمانی برای انتخاب مسئولان قوه مجریه بهتر است، هیچ اشکالی در تغییر سازوکار فعلی وجود ندارد».

بر اساس بیانیه گام دوم و در راستای پیشرفت سیاسی ملت و دولت ایران، چاره‌ای جز سنگین کردن کفه پارلمانی شیوه اداره کشور نیست؛ چون همان طور که در بیانیه آمده است، انقلاب ملت ایران، بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید بوده؛ رژیم سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل و عنصر اراده ملی را در کانون مدیریت کشور وارد کرده؛ مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی، مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانیده و بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان را به مسائل بین‌المللی ارتقا داده است. از طرفی، حقوق

شهروندی و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری، عمل و اندیشیدن برای همه افراد جامعه، از جمله ارزشهای اسلامی و عطیة الهی به انسانهاست و تفضّل حکومت به مردم نیست (بیانیه گام دوم). همچنین، نظارت و مشارکت گسترده‌تر مردم، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت، مستلزم اعمال خواست و نظر عملی مردم در عزل و نصبها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. سطح رعایت احوال و خواست مردم در نظام پارلمانی بیشتر است؛ لذا مردمی که یکی از ارکان بنیادین نظام جمهوری اسلامی‌اند، باید بتوانند از طریق نمایندگان خود بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی اعمال نظر کرده و بدون بحران، مسئولان ناکارآمد را خلع ید کنند که مستلزم تقویت بعد پارلمانی حاکمیت خواهد بود.

ز) جمع‌بندی

آنچه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد توجه و تأکید قرار گرفته، شناخت نقاط ضعف نظام و بیان شاخصها و الزامات سیاسی حرکت به مراحل بعد انقلاب اسلامی؛ یعنی ایجاد دولت و جامعه اسلامی و در نهایت، تأسیس تمدن نوین اسلامی است. این پیشرفت و تحول سیاسی، بر پایه امید و اراده مردم و مسئولان در ایران و ملتها و دولتهای اسلامی و در مقابل هیمنه تمدن سکولار غرب اتفاق خواهد افتاد. بر اساس مفاد بیانیه، برای پیشرفت سیاسی در گام دوم انقلاب اسلامی، مردمی‌سازی و توسعه مشارکت مردم در اداره امور، تحول بنیادین اقتصاد مصرفی وابسته به نفت به اقتصاد مردمی تولیدی، توسعه علمی و دانش‌بنیان، تحول بنیادین اداری و جوانگرایی در سیستم اداره کشور، اصلاح سبک زندگی و تقویت بعد پارلمانی حاکمیت به نحوی که ریاست قوه مجریه را ملزم به پاسخگویی کند، ضروری خواهد بود. این پیشرفت سیاسی، برای اتکای بیشتر به مردم، به تأسیس نهادهای جدیدی نظیر دادگاه قانون اساسی، احیای نظام پارلمان‌محور و ایجاد مجدد پست نخست‌وزیری برای پیشگیری از بحرانها نیز نیاز خواهد داشت که می‌تواند موضوع پژوهشهای جدید باشد.

منابع

- آقابخشی، علی‌اکبر (1383). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- امیدی، مهدی (1397). «*ظرفیت‌سنجی مردم‌سالاری دینی برای تحقق تمدن نوین اسلامی*». *تمدن نوین اسلامی در آینه تقریب*، ش 1(1): 5-36.
- بورسوا، آدام (2004). «*فرهنگی: افول اخلاقی آمریکا*». سیاحت غرب، ش 17(2): 7-14.
- پاک‌سرشت، سلیمان و زین‌العابدین افشار (1396). «*ارزیابی تئوری برنامه سیاستهای ضد فساد در ایران بعد از انقلاب*». *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، 179-201.
- جباری ثانی، عباسعلی و سید مصطفی ابطی (1396). «*مردم‌سالاری دینی، بدیلی امنیت‌آفرین در برابر سکولاریسم*». *امنیت ملی*، ش 7(23): 35-60.
- خامنه‌ای، سیدعلی (1397). *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*. برگرفته از سایت رهبر انقلاب، تاریخ مشاهده: 1400/03/01، به نشانی: khamenei.ir
- سرپرست سادات، سید ابراهیم (1398). «*جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه نظام انقلابی*». *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ش 9(2): 281-302.
- سیف‌زاده، حسن (1368). *نوسازی و دگرگونی سیاسی*. تهران: سفید.
- طاهری خسروشاهی، محمدحسین؛ شریف لک‌زایی و فاطمه طوسی (1399). «*دین و دولت: بایسته‌های الگوی مردم‌سالاری دینی در دولت‌سازی*». *سیاست متعالیه*، ش 8(31): 221-244.
- غفاری هشجین، زاهد و ایوب نیکونهاد (1399). «*تحلیل آینده‌نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*». *دانش سیاسی*، ش 16(2): 487-512.
- قربانی، مصطفی و محسن محمدی الموتی (1398). «*ابعاد، شاخصها و الزامات نظریه نظام انقلابی*». *اندیشنامه ولایت*، ش 5(9): 33-56.
- قوام، عبدالعلی (1371). *توسعه سیاسی و تحول اداری*. تهران: قومس.
- کلمن، جیمز اس (1380). *توسعه سیاسی تدریجی*. ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرادخانی، فردین؛ حسین خورشیدی و فرشید بنده‌علی (1398). «*سیاست تقنینی حاکم بر نظام اداری ایران؛ با نگاهی به قانونگذاری در زمینه نهادهای عمومی غیر دولتی*». *دانش حقوق عمومی*، ش 8(26): 69-88.
- مزینانی، احمد؛ سلیمان علیزاده و احمد ایمانی‌پور (1398). «*تحلیل فرصت - تهدید چهل سال دوم انقلاب اسلامی (مبتنی بر بیانیه گام دوم)*». *پژوهشهای حفاظتی و امنیتی*، ش 8(30): 1-26.

- میرمحمدی، سیدمحمد و اکبر حسن پور (1390). «نظام اداری ایران: تحلیلی بر مشکلات و چالشها». چشم انداز مدیریت دولتی، ش 2(4).
- ناجی میدانی، علی اکبر و اعظم عبدالهی (1394). «جایگاه اقتصاد مقاومتی در اقتصاد اسلامی». *اقتصاد مقاومتی: چالشها، راهکارها، واقعیتها*، دوره اول.
- نادری، مهدی و شهره پیرانی (1399). «راهبردهای پیشرو در پساچهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)». *دانش سیاسی*، ش 16(1): 305-328.
- نوده فراهانی، اسماعیل (1399). «لگوی حکمرانی گام اول انقلاب و دلالتهای سیاستگذارانه بیانیه گام دوم». *اسلام و علوم اجتماعی*، ش 12(23): 5-32.
- نوفرستی، محمد (1395). «اقتصاد مقاومتی و راههای دستیابی به آن». *سیاستهای راهبردی و کلان*، دوره چهارم: 157-168.
- هانتینگتون، ساموئل (1370). *سامان سیاسی و جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علم.
- <http://khamenei.ir>
- Alvares, Claude (1992). "Science". In: *The Development Dictionary* (P. 219-232). Ed. By: Wolfgang Sachs. London and New Jersey, Zed Books.
- Aqabakhshiyeh, Ali Akbar (2004). **Cultural Science Center**. Tehran: Chapar.
- Borsova, Adam (2004). "Cultural: America's Moral Decline". *Western Tourism*, 17(2): 7-14.
- Coleman, James S. (2001). **Gradual Political Development**. Translated by Gholamreza Khajehsaravi. Tehran: Research Institute for Strategic Studies Publications.
- Ghaffari Hashjin, Zahed & Ayub Nikonhad (2020). "Futuristic Analysis of the Statement of the Second Step of the Islamic Revolution". *Scientific Journal of Political Science*, 16(2): 487-512.
- Ghavam, Abdul Ali (1992). **Political Development and Administrative Transformation**. Tehran: Nashr-e Qoms.
- Ghorbani, Mustafa & Mohsen Mohammadi Al-Mawti (2019). "Dimensions, characteristics and requirements of the theory of the revolutionary system". *Andishnameh Velayat*, 5(9): 33-56.
- Huntington, Samuel (1991). **Political order and societies undergoing change**. Translated by Mohsen Thalasi. Tehran: Alam Publishing.
- Jabari Thani, Abbas Ali & Seyed Mostafa Abtahi (2017). "Religious Democracy, Alternative to Security Against Secularism". *National Security*, 7(23): 35-60.
- Khamenei, Seyed Ali (2019). **Statement of the second step of the Islamic Revolution**. In: <http://khamenei.ir>.

- Mazinani, Ahmad; Suleiman Alizadeh & Ahmad Imanipour (2019). **"Opportunity-Threat" Analysis of the Second Forty Years of the Islamic Revolution (Based on the Statement of the Second Step)**". *Quarterly Journal of Security and Protection Research*, 8(30): 1-26.
- Mir Mohammadi, Seyed Mohammad & Akbar Hassanpour (2011). **"Iranian Administrative System: An Analysis of Problems and Challenges"**. *Public Management Perspectives*, 2(4).
- Moradkhani, Fardin; Hossein Khorshidi & Farshid Bandeh Ali (2019). **"Legislative policy governing the administrative system of Iran "with a view to legislation in the field of public non-governmental institutions"**. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 8(26): 69-88.
- Naderi, Mehdi & Shohreh Pirani (2020). **"Leading Strategies in the Post-Fortieth Anniversary of the Islamic Revolution (Explanation of the Statement of the Second Step of the Islamic Revolution)"**. *Scientific Journal of Political Science*, 16(1): 305-328.
- Naji Maydani, Ali Akbar & Azam Abdollahi (2015). **"The position of resistance economics in Islamic economics"**. *Resistance economics: Challenges, solutions, facts*, Vol. 1.
- Nodeh Farahani, Ismail (2020). **"The model of governance of the first step of the revolution and the policy implications of the "Statement of the second step"**". *Quarterly Journal of Islam and Social Sciences*, 12(23): 5-32.
- Noferesti, Mohammad (2016). **"Resistance Economics and Ways to Achieve It"**. *Strategic and Macro Policies*, Vol. 4: 157-168.
- Omidi, Mehdi (2018). **"Capacity measurement of religious democracy for the realization of a new Islamic civilization"**. *A New Islamic civilization in the mirror of approximation*, 1(1): 5-36.
- Pakseresht, Soleiman & Zein Al-Abedin Afshar (2017). **"Evaluation of the theory of anti-corruption policy program in Iran after the revolution"**. *Strategic studies of public policy*, 179-201.
- Pye, L.W. (1965). **"The concept of political development"**. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 358(1): 1-13.
- Sarparast Sadat, Seyyed Ibrahim (2019). **"Socialization in the second step of the Islamic Revolution with the theory of revolutionary system"**. *scientific quarterly of social theories of Muslim thinkers*, 9(2): 281-302.
- Seifzadeh, Hassan (1989). **Modernization and Political Transformation**. Tehran: Sefid Publishing.
- Taheri Khosroshahi, Mohammad Hossein; Sharif Lakzai & Fatemeh Tusi (2020). **"Religion and the state: The requirements of the model of religious democracy in state-building"**. *Transcendent Politics*, 8(31): 221-244.

